

Investigating the Tendency to Superstitions and its Relationship with Human Development Indicators (Case Study: Citizens of Karaj)

Reza Safaryshali *

Associate Professor of Sociology, Kharazmi University, Karaj, Iran.

Alireza Karimi

Assistant Professor of Sociology, Kharazmi University, Karaj, Iran.

Mozhgan Seyfi

Master of Sociology, Kharazmi University, Karaj, Iran.

Abstract




The purpose of this study is to investigate the tendency to superstitions according to human development indicators among citizens aged 19-75 in Karaj. In the theoretical foundations section of this study, the views of experts in the field of development school (Everett Rogers, Keys, Lerner, Amartiasen, Eisenstadt and McClelland) have been used. In terms of method, this research is in the framework of a quantitative (survey) method in which the required data were collected using a researcher-made questionnaire. The statistical population of the study includes the citizens of Karaj and the sample size is 400 people and the sampling method is multi-stage, so that after observing the sampling steps, sample people were selected from three areas of Karaj city (privileged, partially privileged and low-privileged neighborhoods) in proportion to the population size of each region. According to the results, the tendency to superstitions among citizens (with an average of 36.69 according to the score range of 17-85) is low. Data analysis shows that the average scores of superstition in different ages, different occupations, different levels of education and living in different areas (in terms of level of enjoyment) are significantly different. According to the results of Pearson correlation test, the variables of "living standard, empowerment, social health, physical health, media literacy and income" have the greatest effect and inversely to reduce superstition, respectively, and the relationship between "Per capita" variables and the variable "Superstition" was not confirmed. The results of multivariate linear regression test show that, a total of 52% of the variance of the dependent variable (superstition) through independent variables, "Living standards, ability, social health, physical health, media literacy and per capita reading" are estimated and explained.

Keywords: Superstition, Human Development Indicators, Standard of Living, Karaj City.

* Corresponding Author: reza_safaryshali@khu.ac.ir

How to Cite: Safari Shali, R; Karimi, A; Seyfi, M. (2023). Investigating the tendency to superstitions and its relationship with human development indicators (Case study: citizens of Karaj), *Journal of Social Development and Welfare Planning*, 15(54), 187-223.

بررسی میزان گرایش به خرافات و ارتباط آن با شاخص‌های توسعه انسانی (مورد مطالعه: شهروندان شهر کرج)

رضا صفری شالی*  دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی، کرج، ایران.
علیرضا کریمی  استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی، کرج، ایران.
مژگان سیفی  کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی، کرج، ایران.

چکیده

هدف مقاله حاضر، بررسی میزان گرایش به عقاید خرافی با توجه به شاخص‌های توسعه انسانی در بین شهروندان ۷۵-۱۹ سال شهر کرج می‌باشد. در بخش مبانی نظری پژوهش از نظریات صاحب‌نظران حوزه مکتب توسعه (اورت راجرز، دانیل لرنر، آمارتیا سن، اس. ان. آیزنشتات، دیوید مک کله لند و کوری کیز) استفاده گردید. این پژوهش از نظر روش در چارچوب روش کمی (پیمایشی) است که داده‌های مورد نیاز با ابزار «پرسشنامه محقق ساخته» جمع‌آوری شد. جامعه آماری پژوهش، شامل شهروندان شهر کرج و حجم نمونه ۴۰۰ نفر برآورد شد و شیوه نمونه‌گیری به صورت چندمرحله‌ای بوده، به طوری که پس از رعایت مراحل نمونه‌گیری، از سه منطقه شهر کرج (منطقه برخوردار، منطقه تا حدی برخوردار و منطقه کم برخوردار) متناسب با حجم جمعیت هر کدام از مناطق، افراد نمونه انتخاب شدند. بر اساس نتایج، گرایش به عقاید خرافی در میان شهروندان (با میانگین ۳۶/۶۹ با توجه به بازه نمرات ۸۵-۱۷) در حد پایینی است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که میانگین نمرات خرافه‌گرایی در سنین مختلف، مشاغل مختلف، سطوح متفاوت تحصیلات و سکونت در مناطق مختلف (از لحاظ سطح برخورداری) دارای تفاوت معنادار می‌باشد. بر طبق نتایج اجرای آزمون همبستگی پیرسون متغیرهای «سطح زندگی، توانمندی، سلامت اجتماعی، سلامت جسمانی، سواد رسانه‌ای و درآمد» به ترتیب بیشترین تأثیر و از نوع معکوس در جهت کاهش خرافه‌گرایی داشته و رابطه بین متغیرهای «سرانه مطالعه» با متغیر «خرافه‌گرایی» تأیید نشد. نتایج آزمون رگرسیون خطی چند متغیره نشان می‌دهد که در مجموع ۵۲ درصد از واریانس متغیر وابسته (خرافه‌گرایی) از طریق متغیرهای مستقل «سطح زندگی، توانمندی و قابلیت، سلامت اجتماعی، سلامت جسمانی، سواد رسانه‌ای و سرانه مطالعه» برآورد و تبیین می‌شود.

واژه‌های کلیدی: خرافه‌گرایی، شاخص‌های توسعه انسانی، سطح زندگی، توانمندی و قابلیت، شهر کرج

* نویسنده مسئول. reza_safaryshali@khu.ac.ir

مقدمه

خرافات^۱ پدیده‌ای است که به‌رغم تغییر و تحولات و رشد و توسعه جوامع توانسته همچنان به حیات خود ادامه بدهد. برخی اوقات عقاید خرافی با زیرساخت احساسی مردم چنان ارزش و اعتباری کسب نموده‌اند که تقریباً هیچ‌گونه باور متضادی را برنمی‌تابند. در واقع انواع و اقسام عقاید خرافی در بین عامه مردم رایج است که اهمیت و کارکردهای متفاوتی دارند. همان‌طور که دیوید هیوم بیان نموده تمایل به خرافات را هرگز نمی‌توان از بین برد، چون نکته حائز اهمیت اینجاست که خرافات بخش جدایی‌ناپذیر سازوکارهای انسان است که بدون آن‌ها آدمی قادر به ادامه حیات نیست (فروغی و عسگری مقدم، ۱۳۸۸: ۱۶۳). اندیشه‌های خرافی الگوهای نادرست و غیرمنطقی را به جامعه تحمیل می‌کنند و مردم را دچار اوهام می‌کند.

باورهای خرافی از هر نوع آن اثرات زیان‌باری بر فرد و جامعه دارند اما خرافه‌های مذهبی (خرافه‌هایی با نام مذهب و دین در جامعه، مانند انواع فرقه‌های نوپدید ساخته می‌شوند) بدترین و خطرناک‌ترین خرافه‌ها هستند، چرا که با انگیزه، اندیشه، اخلاق و رفتار انسان سروکار دارند و تا عمق باورها و داورهای آدمیان نفوذ کرده، کم‌کم ریشه‌دار شده و استواری می‌یابند (شریعتی، ۱۳۹۵: ۱۴).

در دوران مدرن هم گرایش به پدیده خرافه‌گرایی وجود دارد، در واقع انسان مدرن هم نمی‌تواند برای برخی از اعتقادات خود جواب منطقی پیدا کند. تجلی خرافه به صورت‌های مختلف و در زمینه‌های متفاوت سبب شده که بتوان گفت که همه جوامع درگیر خرافات هستند، اما سطح آنها با یکدیگر متفاوت است. در جوامع کنونی حتی در جوامعی که کاملاً صنعتی شده و تحت نظام سرمایه‌داری هستند، همچنان خرافات وجود دارد و علم‌گرایی مدرن نتوانسته است به‌طور کامل از جامعه خرافه زدایی کند. البته

نمی‌توان به‌سادگی از این موضوع گذشت که مدرنیته با خود عقلانیت بازتابی و تأملی به همراه آورده که خود عاملی اساسی در کاهش میزان و نوع خرافات بوده است (ربیعی، ۱۳۹۴: ۱۳۱).

خرافات موجود در ایران در بسیاری از موارد تحت تأثیر اقوام و ملل دیگری شکل گرفته است. به‌طور مثال اقوام کلدی و آشور که همسایگان ایران نیز بودند را می‌توان مبدأ و منشأ خرافات و جادو نامید (پاکدامن، ۱۳۷۸ به نقل از شریعتی، ۱۳۹۵: ۱۱). فارغ از ریشه تاریخی این پدیده در ایران باید گفت پژوهش‌هایی که در سال‌های اخیر در زمینه خرافه‌گرایی در کشور صورت گرفته است نشان‌دهنده وجود این پدیده در فرهنگ ایرانی است. در پژوهشی که در سه شهر ایلام، اصفهان و اهواز صورت گرفته است، یافته‌ها نشان می‌دهد که وجه مشترک این سه شهر وجود سطحی از خرافه‌گرایی در میان شهروندان است و میزان نوگرایی می‌تواند باعث کاهش گرایش به خرافات شود (افشانی، ۱۳۸۸: ۶۴). خرافه بیشتر ناشی از جهل و ناآگاهی انسان درباره پیوندها و روابط علی پدیده‌هاست و قابلیت اثبات عینی و علمی ندارد. از این‌روست که در بین اقشار کمتر تحصیل‌کرده، نفوذ و گسترش بیشتری دارد (فروغی و عسگری، ۱۳۸۸: ۱۶۵) به‌طور کلی با بهبود سطح درآمد، وضعیت اقتصادی و کاسته شدن از مشکلات معیشتی و بالاتر رفتن سطح زندگی افراد، فراهم شدن فرصت تحصیل علم و دانش می‌تواند از میزان پابندی افراد به این نوع عقاید و روی آوردن به خرافات بکاهد. با توجه به آنچه گفته شد بررسی ریشه‌ها و علل و عوامل گرایش به خرافات اهمیت دارد. با این حال پژوهش‌هایی که در حوزه جامعه‌شناختی در زمینه مطالعه خرافه صورت گرفته بسیار محدود است.

اهمیت مسئله خرافه و پیامدهای گسترده آن با میزان مطالعات جامعه‌شناختی در این حوزه همسویی ندارد. خرافات عمدتاً از دیدگاه روان‌شناختی مورد توجه قرار گرفته و خلأ مطالعات جامعه‌شناختی در این حوزه محسوس است. بر همین اساس پژوهش پیش رو قصد دارد با رویکرد جامعه‌شناختی با شناسایی مهم‌ترین عواملی که باعث بروز خرافات در جامعه می‌شوند کمک مؤثری در شناخت علل و عوامل مرتبط با خرافه‌گرایی با توجه به

شاخص توسعه انسانی داشته باشد تا به واسطه نتایجی که از این پژوهش به دست خواهد آمد، میزان گرایش افراد به خرافه با توجه به شاخص ذکر شده مشخص شود و تصمیماتی در جهت بهبود وضعیت افراد با توجه به سطوح توسعه انسانی داشته باشد.

انتخاب شهر کرج به دلیل تجربه زیسته محقق و مواجهه با انواع عقاید خرافی و همچنین موقعیت خاص شهر کرج است. در واقع بر اساس مطالعات اخیر برخی از افکار خرافی و فرقه‌های نوپدید وارد شهر کرج شده و در این شهر با توجه به تعدد اقوام و پذیرشی که در این حوزه وجود دارد، اشاعه می‌یابند (تاجی، ۱۳۹۷:۵). بر همین اساس هدف پژوهش بررسی میزان خرافه‌گرایی در شهر کرج (با مقایسه تطبیقی در سه منطقه این شهر یعنی مناطق کم برخوردار، مناطق تا حدی برخوردار و مناطق برخوردار است).

علاوه بر این ارتباط شاخص‌های توسعه انسانی در شهر کرج با میزان خرافه‌گرایی هدف اصلی این پژوهش می‌باشد. بدین ترتیب سؤال اصلی مقاله حاضر این است که آیا بین شاخص‌های توسعه انسانی با گرایش به عقاید خرافی در بین مردم شهر کرج ارتباط وجود دارد و جهت این روابط بین متغیرها چگونه است؟ و به عبارت دیگر هرچه تحصیلات، سواد رسانه‌ای، تحصیلات و قابلیت انسانی و... افزایش یابد، وضعیت خرافه‌گرایی چه تغییری می‌کند.

بررسی پیشینه تجربی

تحقیقات متعددی در بین پژوهشگران داخلی و خارجی در مورد موضوع مورد مطالعه انجام گرفته است که مهم‌ترین این تحقیقات به شرح ذیل خواهد بود:

افشانی (۱۳۸۸) در پیمایشی با هدف بررسی میزان گرایش به نوگرایی و خرافات در شهر یزد به این نتیجه رسید که برای بهبود وضعیت خرافه‌گرایی در شهر یزد باید به سه متغیر علم‌گرایی، فرد‌گرایی و عقل‌گرایی توجه بیشتری شود. این سه متغیر که از مؤلفه‌های نوگرایی می‌باشند تأثیر معنادار و کاهنده‌ای بر خرافات دارند.

سپهر (۱۳۷۵) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی مصادیق بارز، عوامل و علل بروز و راه‌های مبارزه با خرافات، موهومات، جمود، تحجر فکری، مقدس‌مآبی و ظاهرگرایی» نشان داد که زنان به طرز بارز و معنی‌داری بیش از مردان و بی‌سوادان بیشتر از باسوادان به این قبیل امور معتقدند و بهبود وضعیت معیشت اثری کاهنده بر خرافه‌گرایی داشته است. گذر از زندگی سنتی به صنعتی از شیوع خرافات می‌کاهد (فروغی و عسگری، ۱۳۸۸: ۱۶۵).

جهانشاهی (۱۳۹۳) در پیمایشی با عنوان «ریشه‌های خرافات و کارکرد آنها در فرهنگ مردم کرمان» به این نتیجه رسید که پایگاه طبقاتی و اقتصادی از ریشه‌های پیدایش خرافات هستند و کارکرد اجتماعی خرافه، رؤیا و توهم را در جامعه رواج می‌دهد. افراد در انجام امور روزمره خود با پیروی از خرافات و دلیل وقوع رخدادها به امور موهوم و ماوراء طبیعی برای جلب منفعت و دفع مضرات به باورهای معتقد هستند که تحقق آنها از هرگونه رابطه علت و معلولی به دور است.

ربیعی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر توسعه اجتماعی-اقتصادی بر تلقی افراد از چیستی خرافات در استان اصفهان پرداخت. یافته‌ها حاکی از آن است که در شهرهای توسعه‌یافته‌تر، بعد مناسبی دینداری تضعیف شده است اما درباره مواردی مانند نذر و سابقه دیدن جن تفاوتی میان سطوح مختلف توسعه وجود ندارد. در واقع یکی از مهم‌ترین یافته‌های این تحقیق این است که اگرچه بر اثر فرایند توسعه ممکن است بعد مناسبی دینداری در بخش‌هایی از جامعه تضعیف شود، اما دست کم در ایران، جهان‌بینی کلی افراد همچنان مبتنی بر بنیادهای متافیزیکی خداوورانه باقی خواهد ماند.

استیو بلیمن^۱ و همکاران (۲۰۲۱) پژوهش خود را با عنوان «خرافات و پایداری» در بین دانش‌آموزان یک مدرسه در آفریقای جنوبی انجام داده‌اند. آن‌ها

1. Blemain

پژوهش خود را در منطقه‌ای که باور به اینکه چندین گونه حیوانی در طلسم نقش دارند و به‌خصوص جغد به‌عنوان فال مرگ در نظر گرفته می‌شود، انجام داده‌اند. با توجه به اینکه جغدها می‌توانند شکارچیان بسیار مؤثری برای آفات مزارع می‌باشند و از اکوسیستم محافظت می‌کنند اما همچنان این باور به جغدها در میان جامعه مورد مطالعه وجود دارد. بلیمن اذعان کرد که مطالعه آنها نشان می‌دهد که آموزش محیط زیستی بسیار محدود می‌تواند تأثیر مثبتی بر تغییر باورهای مردم در خصوص کاهش باور به خرافات داشته باشد.

توسیالی و آکتاس^۱ (۲۰۲۱) در پژوهش خود را با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر کاهش باورهای خرافی» به بررسی رابطه تفکر تحلیلی، دینداری درونی و باورهای خرافی در بین دانشجویان دانشگاه پرداختند. با توجه به نتایج مشخص شد تقویت تفکر تحلیلی منجر به کاهش باورهای خرافی می‌شود، اما برخلاف فرضیه‌های تحقیق مذکور، نقش تعدیل‌کننده دینداری مشهود نبود. یافته‌های حاضر با این دید که گرایش به تفکر تحلیلی افراد را به سمت کاهش افکار خرافی سوق می‌دهد، سازگار بود.

بل و هترلی^۲ (۲۰۱۴) در پژوهشی کیفی با عنوان «تقدیرگرایی در بین زنان نابارور طبقه متوسط» به این نتیجه رسیدند که زنان نابارور معمولاً بعد از به کار گرفتن همه امکانات در دسترس و کارساز نبودن آنها به تقدیرگرایی پناه می‌برند. در میان زنان طبقات پایین در همان مراحل اولیه گرایش به تقدیرگرایی به‌منظور توجیه ناباروری رواج دارد. زنان سیاه‌پوست که معمولاً از طبقات پایین هستند، کمتر به سمت درمان تمایل نشان می‌دهند و بیشتر آنها ناباروری خود را ناشی از تقدیر می‌دانند.

مارکل^۳ (۲۰۰۷) در پیمایشی با عنوان «جادویی که ما را مقید می‌کند: استرس و خرافات» نشان داد که جنسیت و قومیت، بر میزان گرایش به خرافات در

1. Tosyali & Aktas
2. Bell & Hattehly
3. Markle

شرایط استرس‌زا، تأثیری نداشته است. خرافات، استرس و اضطراب را کاهش داده و کارکرد مثبت در آرامش فرد داشته است.

مرور منابع در ارتباط با خرافه‌گرایی نشان می‌دهد که اکثر پژوهش‌های مربوط به خرافه‌گرایی به بررسی جنبه‌های فردی، عوامل درونی و مشکلات روان‌شناختی و شخصیتی (و به عبارتی توانمندی و قابلیت) افراد پرداخته‌اند، ولی در ارتباط با عوامل فرافردی و در حوزه اجتماعی که مرتبط با شاخص‌ها و مؤلفه‌های اجتماعی نظیر «توسعه اجتماعی و نوگرایی» است، پژوهش‌های بسیار کمی وجود دارد که شاید به تعداد انگشتان یک دست هم نرسد و موضوع خرافه‌گرایی با شاخص توسعه انسانی و اجتماعی به‌طور جدی به چالش کشیده نشده است.

چارچوب نظری

در مورد گرایش به خرافات و علل و عوامل بوجود آمدن دیدگاه‌ها و بحث‌های مختلفی مطرح است. در واقع در مورد خرافه‌گرایی جامعه‌شناسان، روانشناسان و انسان‌شناسان هر کدام با توجه به گرایش‌های خود به این مسئله پرداخته‌اند. بسیاری از نظریه‌پردازان حوزه نوگرایی و توسعه، این مفهوم (نوغرایی) را در مقابل با خرافه‌گرایی به کار می‌برند.

اورت راجرز^۱ از نظریه‌پردازان حوزه نوگرایی بر معیار عقلانیت و خردگرایی تأکید می‌کند و این معیار را در مقابل خرافه‌گرایی قرار می‌دهد. در مدرنیته‌ای که اورت راجرز به آن اشاره می‌کند، بحث انتخاب عقلانی و گرایش به عقلانیت از اهمیت بسزایی برخوردار است. زمانی که عقلانیت مطرح می‌شود، باور به اراده و اختیار در انسان شکل می‌گیرد و گرایش به باورهای خرافی کاهش پیدا می‌کند.

از نظر راجرز انسان مدرن دارای روحیه نوآوری و فاقد تقدیرگرایی است. این دو اصل به معنای آن است که راجرز انسان مدرن را انسان بدون اندیشه‌های خرافی می‌داند. او

1. Everett Rogers

بر این اعتقاد است که افراد سنتی در مهار رویدادهایی که در آینده رخ می‌دهد و پیش روی آنها می‌باشد دارای دیدگاه‌هایی مانند: عدم تصمیم‌گیری، بدبینی، تسلیم، صبر، تساهل و مدارا می‌باشند و این کیفیات مسبب می‌شود که آن‌ها از قبول تغییر سرباز زنند. به اعتقاد راجرز کسانی که تغییر را به سرعت می‌پذیرند، از دیگران جوان‌تر، جایگاه اجتماعی بالاتری و ثروتمندتر می‌باشند (فروغی و عسگری، ۱۳۸۸: ۱۶۹).

دیوید مک‌کله‌لند از دیگر اندیشمندان حوزه نوگرایی نیز در تئوری "میل به پیشرفت و انگیزه برای موفقیت" به شانس و اقبال اعتقادی ندارد. وی معتقد است که افراد مدرن و نوگرا، تلاش و پشتکار خود را در جهت رسیدن به موفقیت به کار می‌گیرند و به همین دلیل از روی آوردن به تقدیرگرایی به دور هستند. گرایش به خرافات در میان افراد مدرن کمتر است، زیرا آنان تمایل در به ثمر رساندن هرکاری که به آنان محول شده به واسطه تلاش، اراده و اختیار فردی خود دارند (وینر، ۱۳۵۴: ۳۲-۲۴).

با رجوع به نظریه آیزنشتات^۱ نیز می‌توان به این نتیجه رسید که گرایش به خرافات در جوامعی که افراد آن دارای خودآیینی نیستند و ویژگی‌های یک جامعه مدرن در آن پدیدار نمی‌باشد به مراتب بیشتر است. در این جوامع افراد تقدیر و سرنوشت خود را در باورهای خرافی جستجو می‌کنند و بر این باور هستند که اراده آنها در جهت ساختن زندگی فردی و اجتماعی کارآمد نمی‌باشد و عنصر خرافی‌گری در آنها فعال‌تر می‌باشد، این افراد به فهم از خود به عنوان یک انسان خودآیین نرسیده‌اند.

در واقع در شرایط مدرن انسان (در معنای ذهنی کلمه) با خودآیینی خود تنهاست و هیچ‌گونه سرشت و تقدیری که از قبل تعیین شده باشد برای او وجود ندارد. درست در این شرایط انسان‌ها توانایی ساختن خود و جامعه‌شان را دارند. در واقع آیزنشتات با طرح مدرنیته‌های چندگانه راه را برای فهم بهتر ارزش‌ها و باورها فرهنگی جوامع مختلف باز می‌کند. به طوری که می‌توانیم انتظار داشته باشیم که جوامع به شکل‌های گوناگون و با الگوهای متفاوت مدرن شوند و شرط مدرن شدن، غربی شدن قلمداد نشود. بر این اساس

ممکن است باورهای خرافی در جوامع مدرن نیز وجود داشته باشد و گرایش‌های خرافی که مانع توسعه به شمار می‌آیند امکان حضور در یک کشور پیشرفته صنعتی را داشته باشند (آیزنشتات ۱۳۷۷، به نقل از ربیعی: ۱۳۹۴: ۳۳).

دانیل لرنر^۱ نیز همانند سایر اندیشمندان حوزه نوسازی مؤلفه‌های مدرن شدن را در مقابل سنتی بودن تعریف می‌کند. لرنر بر مؤلفه‌های جامعه صنعتی که سوادآموزی، شهرنشینی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی می‌باشد، جامعه مدرن را جامعه‌ای خواند که افراد از الگوهای سنتی فاصله گرفته و به الگوهای مدرن کشورهای غربی روی آورده‌اند. در این میان وسایل ارتباط جمعی تأثیر بسزایی در الگوپذیری افراد به سوی یک جامعه مدرن دارد که می‌تواند اطلاعات و دیدگاه‌های جدیدی در اختیار افراد قرار دهد. همین امر می‌تواند در گرایش افراد به خرافات تأثیر داشته باشد و افراد با توجه به رسانه‌های جمعی و دیدن الگوهای جوامع مدرن و داشتن تصویری از یک جامعه صنعتی، به سمت سوادآموزی و درک بهتری از مسائل اطراف خود جهت داده شوند.

به عقیده لرنر افراد در جامعه مدرن از همدلی بالایی بهره‌مند بوده و این به این معنی است که شخص گنجایش دیدن خودش در موقعیت دیگران را دارد. لرنر بر این باور بود، که همدلی دو وظیفه دارد. اول، توانمندسازی افراد برای عمل در یک جامعه متجدد که مدام در حال تغییر است و دوم اینکه همدلی یک قابلیت جدانشدنی برای افرادی است که ترجیحشان ترک موقعیت سنتی آنان است. بدین گونه، رسانه‌های ارتباط جمعی، عوامل اصلی نوسازی محسوب شدند در جهان سوم افراد می‌توانستند همدلی خود را با قرار گرفتن در معرض رسانه‌ها افزایش دهند. زیرا که رسانه‌ها با نشان دادن مناظر جدید، افراد را در برابر اعمال و کردار و همین‌طور فرهنگ‌های جدید قرار می‌دادند (ملکات، ۱۳۸۴: ۴۸).

در بحث از توانمندی و قابلیت از نظریه توسعه انسانی به مثابه قابلیت آمارتیاسن^۲، استفاده شده است. در دیدگاه آمارتیاسن توسعه انسانی واقعیتی بسیار بالاتر از کاهش یا

1. Daniel Lerner
2. Amartya Sen

افزایش عایدی افراد و تولید بوده و اشاره به فضایی دارد که در آن انسان توانمندی به فعل رساندن قابلیت‌های بالقوه‌اش را داشته باشد و بتواند زندگی سودمند، مبتکرانه و سرشار از خلاقیت، متناسب با سلیقه و علاقه‌مندی‌های خود بهره‌مند باشد. به بیان دیگر توسعه انسانی، گسترش قدرت انتخاب انسانهاست و بهره‌مند بودن از زندگی طولانی همراه با سلامتی و همچنین توان دسترسی به آموزش و منابع لازم برای بهره‌مندی از سطح زندگی و رفاه مناسب و توانایی مشارکت فعال در جامعه، باعث گسترش مرزهای انتخاب انسان می‌شود (قنبری، ۱۳۹۱: ۳۸).

در نگرش آمارتیا سن توانمندی و قابلیت اشاره به وجود شرایطی است که گزینه‌های متعددی را برای انتخاب در برابر انسان می‌گذارد. در حقیقت انتخاب زمانی معنی پیدا می‌کند که افراد در میان گزینه‌های متعددی که پیش رو دارند دست به انتخاب آزادانه بزنند. در تعریف ذکر شده انسانی که فاقد قابلیت است، صدمه پذیر است. به بیان دیگر کنترل و اختیاری بر شرایطی که در آن قرار می‌گیرد ندارد. در نتیجه به دلیل فقدان قابلیت، توانایی حل مشکلاتش را نخواهد داشت (بلوری، ۱۳۹۵: ۱).

در موضوع سلامت اجتماعی نیز از دیدگاه "کوری کیز" استفاده شده است. کیز معتقد است سلامت روان صرفاً عدم بیماری روانی نیست، بلکه شامل وجود احساسات مثبت (بهبودی عاطفی) و همین‌طور عملکرد مثبت در زندگی فردی (بهبودی روانی) و زندگی اجتماعی (بهبودی اجتماعی) نیز می‌شود (Keyes, 2011: 100).

به‌زعم کیز افراد دارای شاخص‌های سلامت اجتماعی (شکوفایی، مشارکت، همبستگی، انسجام و پذیرش اجتماعی) احساس می‌کنند که چیزهای با ارزشی برای ارائه به جامعه دارند و دارای این تفکر هستند که یک عضو حیاتی از اجتماع هستند و در دنیایی که صرفاً به دلیل انسان بودن برای آنان ارزش قائل است سهم می‌باشند. تمامی مؤلفه‌های یاد شده اشاره به انسانی دارد که دارای اراده، دارای مشترکات با هم‌نوعان خود، عقل و

منطق و همین‌طور انسان دارای نگرش مثبت و فردی است که خود را حاکم بر سرنوشت خویش می‌داند.

نقصان در هر یک از صفات یادشده که برآمده از شاخص‌های سلامت اجتماعی است، می‌تواند انسان را در گرداب گرایش به عقاید خرافی فرو برد. می‌توان گفت اشخاصی که از سلامت بیشتری برخوردار هستند به هستی و ذات جهان اجتماعی خود بیشتر علاقه نشان می‌دهند و همین‌طور این قابلیت را دارند که روش کارکرد آن را به درستی درک کنند. افراد سالم‌تر نه فقط مراقب نوع جهانی هستند که در آن زندگی می‌کنند؛ بلکه احساس می‌کنند که آنها می‌توانند هر آنچه را که در اطرافشان رخ می‌دهد، احساس کنند (کییز، ۱۹۹۸: ۱۲۳).

با توجه به اینکه جامعه‌شناسان حوزه توسعه با تأکید بر مؤلفه‌های توسعه انسانی نظریه‌پردازی نموده و هر کدام از آنها با ذکر مؤلفه‌هایی اهمیت توسعه انسانی بر سطح زندگی و کیفیت زندگی افراد را مشخص کردند. در ادامه به دلیل افزودن بر غنای مطالب و آشنایی با یکی از برجسته‌ترین افراد مکتب انتقادی یعنی تئودور آدورنو که در مقابل نظریه‌پردازان توسعه قرار می‌گیرد، می‌پردازیم.

آدورنو^۱ از اندیشمندان قرن بیستم که به طرز خیره‌کننده‌ای در اثرش به نام «ستارگان به زمین می‌آیند»، تجزیه و تحلیل شگفت‌انگیزی از ستون طالع‌بینی لس‌آنجلس ارائه می‌دهد و جنبه‌های تاریک فرهنگ مدرن را کشف می‌کند. تمرکز اصلی آدورنو بر عناصر غیرعقلانی در فرهنگ توده‌ای از طالع‌بینی گرفته تا فرقه‌های عصر جدید از یهودی‌ستیزی تا قدرت تبلیغاتی نئوفاشیستی خاطر نشان می‌کند که نیروهای دولت و بازار مدرن به منافع سرمایه‌داری در شکل اولیه آن خدمت می‌کنند (Crook, 2001: 172).

در بررسی ستون طالع‌بینی آدورنو می‌یابد، فال‌بین‌ها با تأکید بر ویژگی‌های برجسته خوانندگان، حس خودشیفتگی را در آنان تقویت می‌کنند. آن‌ها بر چرخه «تهدید - کمک» تکیه می‌کنند یعنی بر وجود امری تهدیدآمیز صحه گذارده و به ارائه مشاوره برای خروج

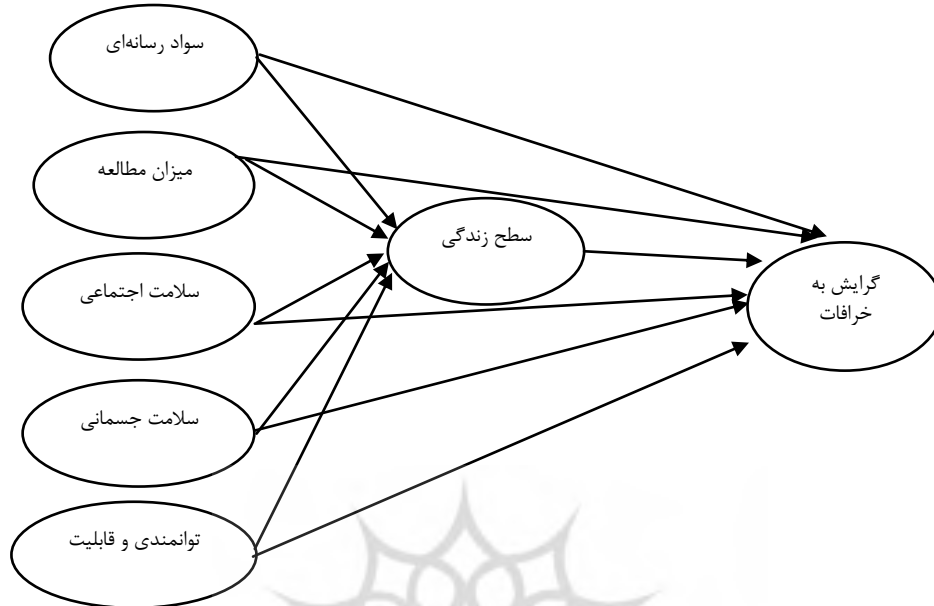
1. Teodour adorno

از آن بحران می‌پردازند. آنان به خوانندگان احساس وابستگی را تلقین و انطباق اجتماعی را ترویج می‌دهند و در نهایت بر این امر که خود فرد مقصر است و نه شرایط؛ تأکید دارند (Feruci & Tandoc, 1994 به نقل از عزیزآبادی، ۱۳۹۹).

با توجه به مبانی نظری ذکر شده از یک رویکرد نظری ترکیبی برای استخراج متغیرها استفاده شد. متغیر «سواد رسانه‌ای» از «نظریه مدرنیزاسیون دانیل لرنر» استخراج شده است، دانیل لرنر با تأکید بر مؤلفه‌های جامعه صنعتی که سوادآموزی و شهرنشینی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی می‌باشد، جامعه مدرن را جامعه‌ای خواند که افراد از الگوهای سنتی فاصله گرفته و به الگوهای مدرن که از کشورهای غربی آورده شده، روی آورده‌اند. در این میان وسایل ارتباط جمعی تأثیر بسزایی در الگوپذیری افراد به سوی یک جامعه مدرن دارد که می‌تواند اطلاعات و دیدگاه‌های جدیدی در اختیار افراد قرار دهد.

متغیر «توانمندی»، از «نظریه توسعه به مثابه قابلیت آمارتیاسن» استخراج شده است. او معتقد است ظرفیت انسانی توسعه بسیار حائز اهمیت است و در بحث توسعه بر قابلیت‌های ذاتی افراد توجه می‌کند. نظریه آمارتیاسن اشاره به بسط قدرت انسان‌ها و برخورداری آنها از پایگاه اقتصادی و اجتماعی مناسب می‌باشد، مانند: زندگی طولانی توأم با سلامتی، آموزش و مشارکت فعال در جامعه.

با توجه به نظریات کیز در ارتباط با سلامت اجتماعی و شاخص‌هایی که او برای سلامت اجتماعی در نظر گرفته می‌توان گفت که این شاخص‌ها، ارتباط تنگاتنگ با گرایش به عقاید خرافی دارند در نظریه کیز افراد سالم احساس می‌کنند که بخشی از جامعه هستند و دارای ابعاد مشترکی با اطرافیان خود هستند. طبق تعریف کیز افراد سالم نگرش مثبت و احساس خوبی در مورد خودش و دیگران دارد. لذا با توجه به مباحث مطرح شده متغیرهایی مذکور را می‌توان در قالب مدل نظری زیر نمایش داد:



شکل ۱- مدل نظری پژوهش

این مدل حاکی از رابطه بین متغیرهای پژوهش (متغیرهای مستقل که شاخص‌های توسعه انسانی و اجتماعی و متغیر وابسته که خرافه‌گرایی) می‌باشد. هر قدر سطوح توسعه انسانی و اجتماعی بالاتر می‌رود خرافه‌گرایی کاهش پیدا می‌کند. با توجه به شاخص‌هایی که برای سطح زندگی در نظر گرفتیم و رابطه معکوسی بین سطح زندگی و گرایش به خرافه‌گرایی وجود دارد. موضوع مهم بعدی متغیرهای است که باعث بالا رفتن «سطح زندگی» (به‌عنوان متغیر وابسته میانی) می‌شود. لذا متغیرهای ذکر شده در حوزه مربوط به توسعه انسانی و اجتماعی می‌باشند.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی است. به لحاظ اجرا در این تحقیق از دو روش اسنادی (کتابخانه‌ای) و میدانی برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده گردید. در بخش

بررسی میزان گرایش به خرافات و ارتباط آن...، صفری شالی و کریمی | ۲۰۱

میدانی (پیمایشی) از تکنیک «پرسشنامه محقق ساخته» استفاده شد. جامعه آماری پژوهش شامل شهروندان ۱۹ تا ۷۵ سال شهر کرج (حدود ۵۲۸۰۰۰ نفر) می‌شود نمونه تقریبی بر طبق فرمول کوکران حدوداً ۳۸۴ نفر به دست آمد، اما برای دقت بیشتر در پاسخ‌های دریافتی تعداد نمونه به ۴۰۰ نفر ارتقا داده شد.

از آنجا که جامعه آماری در سه پهنه برخوردار، تا حدی برخوردار و کم برخوردار (شمال، مرکز و جنوب) می‌باشد لذا روش نمونه‌گیری در این تحقیق، تلفیقی از روش‌های نمونه‌گیری مطبق (طبقه‌بندی شده) و خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. بدین صورت که در مرحله اول، با استفاده از روش نمونه‌گیری مطبق، با در نظر گرفتن متغیر پراکندگی جغرافیایی، مجموع ۳ پهنه شهر کرج (برخوردار، تا حدی برخوردار، کم برخوردار) در ۳ طبقه قرار داده شد و سپس، در هر طبقه، یک منطقه شهرداری به‌عنوان نمونه به‌صورت تصادفی انتخاب گردید و در مرحله بعد با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، خیابان‌های اصلی و سپس بلوک‌ها انتخاب شدند.

در نهایت، بر اساس نمونه‌گیری تصادفی، افراد نمونه انتخاب شدند. لازم به ذکر است با توجه به اطلاعات موجود در شهرداری کرج منظور از منطقه برخوردار، محدوده جهانشهر (منطقه ۸) با حجم نمونه ۹۸ نفر می‌باشد. منطقه تا حدی برخوردار، شامل محدوده بهار (منطقه ۱) با حجم نمونه ۹۶ نفر و در نهایت منطقه کم برخوردار شهر کرج، حصارک (منطقه ۶) با حجم نمونه ۲۰۴ نفر می‌باشد. البته انتخاب حجم نمونه در هر یک از مناطق مذکور بر اساس اصل نسبت با توجه به جمعیت آن مناطق در جامعه کل می‌باشد.

ابزار گردآوری اطلاعات میدانی، در قالب پرسشنامه محقق ساخته بود. این پرسشنامه دربرگیرنده ۵ مقیاس است، رسانه‌های ارتباط جمعی (۱۱ گویه)، توانمندی و قابلیت (۹ گویه)، گرایش به خرافات (۱۷ گویه)، سلامت جسمانی (۹ گویه) و سلامت اجتماعی (۱۶ گویه) بوده است. به‌منظور سنجش اعتبار ابراز سنجش، از اعتبار صوری^۱ (استفاده از نظرات کارشناسان و متخصصان ذی‌ربط) استفاده شد. برای اطمینان از قابلیت اعتماد سؤالات و

1. Face Validity

گویه‌های موردسنجش برای مفاهیم مورد استفاده تحقیق، پرسشنامه اولیه در جمعیت تحقیق مورد آزمون قرار گرفت؛ برای تعیین پایایی ابزار تحقیق پرسشنامه در یک نمونه مقدماتی ۳۰ نفر به‌عنوان پیش‌آزمون موردسنجش قرار گرفت و با استفاده از «آلفای کرونباخ»، میزان پایایی متغیرها محاسبه گردید که نتایج حاصل به شرح جدول زیر است.

جدول ۱- نتایج تحلیل پایایی متغیرهای پژوهش

نام گویه	شماره گویه	آلفای کرونباخ
رسانه‌های ارتباط‌جمعی	سؤال ۵ پرسشنامه (گویه‌های ۱ تا ۱۱)	۰/۸۰۴
توانمندی و قابلیت	سؤال ۶ (گویه‌های ۱ تا ۹)	۰/۷۲۷
خرافه‌گرایی	سؤال ۷ (گویه‌های ۱ تا ۱۷)	۰/۷۴۹
سلامت جسمانی	سؤال ۸ (گویه‌های ۱ تا ۹)	۰/۷۴۶
سلامت اجتماعی	سؤال ۹ (گویه‌های ۱ تا ۱۶)	۰/۷۴۹

نتایج جدول شماره ۱، نشان می‌دهد که گویه‌های نهایی از همسازی درونی قابل قبولی از ۰/۷۳ تا ۰/۸۰ برخوردار هستند.

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

۱- تعریف خرافات: یک تصور و عقیده نامعقول و بی‌اساس است که با رفتارهای معینی بر روی وقایع آینده، بدون داشتن هیچ‌گونه ارتباط علی و معلولی و بدون هیچ ارتباط سودمندی، تأثیر می‌گذارد (فروغی و عسگری مقدم، ۱۳۸۸: ۱۶۳). در این پژوهش برای متغیر وابسته خرافه‌گرایی ابعاد مختلفی (مانند خرافات شخصی، فرهنگی و...) به شکل زیر در نظر گرفته شده که با توجه به هر یک از ابعاد تعریف عملیاتی ارائه شده است.

۱-۱- تعریف خرافات شخصی:

تعریف نظری: تصورات شخصی افراد در مورد خوش‌یمنی یا بدیمنی برخی چیزها مانند، رنگ‌ها و روزها. در چنین وضعیتی ممکن است افراد موفقیت یا شکست خود را به زمان خاصی منتسب بدانند.

بررسی میزان گرایش به خرافات و ارتباط آن... ، صفری شالی و کریمی | ۲۰۳

تعریف عملیاتی: گویه‌هایی مانند «برخی از ساعات و روزهای هفته بدیمن می‌باشد؛ رنگ سیاه بدیمن است؛ ناخن گرفتن در شب بدیمن است».

۱-۲- تعریف خرافات فرهنگی:

تعریف نظری: بعضی از عقاید خرافی مخصوص فرهنگ‌های خاص هستند. خرافه‌های که جزء سنت‌های فرهنگی می‌باشند از لحاظ تنوع بسیار گسترده‌اند. البته با گذشت زمان بسیاری از آنها تغییر شکل می‌دهند، اما تقریباً به‌طور کامل از بین نمی‌روند. تعریف عملیاتی: اعتقاد به نحس بودن عدد ۱۳؛ شکستن تخم‌مرغ برای دفع چشم‌زخم؛ صبر کردن بعد از عطسه؛ دود کردن اسفند برای دفع بلا.

۱-۳- تعریف خرافات مربوط به شانس و بخت و اقبال:

تعریف نظری: اعتقاد به شانس و بخت و اقبال یکی از ابعاد اعتقاد به خرافات می‌باشد که می‌تواند انسان را از تلاش بیشتر برای رسیدن به سطحی بهتر از زندگی در مانده سازد. تعریف عملیاتی: شامل گویه‌های از جمله: به تخته زدن، شکستن آینه باعث بداقبالی می‌شود، نصب کردن نعل اسب به سر در خانه و مغازه باعث خوش‌شانسی می‌شود، اعتقاد به سفیدبخت یا سیاه‌بخت بودن- هرگاه در انجام کاری موفق نشوم، بخت و اقبال یاری نکرد و شانس در زندگی نقش مهمی دارد.

۱-۴- تعریف خرافات مربوط به پیش‌بینی حوادث

تعریف نظری: دسته‌ای از خرافات هم هستند که ماهیت پیش‌گویی حوادث را دارند و از جمله موارد آن فالگیری و یا دعانویسی می‌باشد. تعریف عملیاتی: مراجعه به فالگیر برای حل مشکلات، گرفتن دعا از دعانویس برای حل مشکلات و فالگیرها می‌توانند آینده را پیش‌بینی کنند.

متغیرهای مستقل این پژوهش، شاخص‌های توسعه انسانی می‌باشند که عبارت‌اند از: سرانه مطالعه، سواد رسانه‌ای، توانمندی و قابلیت، سطح زندگی، سلامت اجتماعی و

سلامت جسمانی، که در زیر به ذکر تعریف نظری و گویه های عملیاتی شده آن می‌پردازیم.

سرانه مطالعه: عام‌ترین تعریف از سرانه مطالعه میانگین مدت‌زمان مطالعه یک نفر در یک شبانه‌روز است. اما لزوماً همیشه این تعریف صادق نیست و می‌توان به جای مدت‌زمان از تعداد کتاب‌های خوانده‌شده در طول روز نیز برای تعریف سرانه مطالعه بهره برد. برای سنجش این متغیر ۲ گویه تنظیم شده است که عبارت‌اند از: «شما معمولاً در هفته چند ساعت مطالعه آزاد (غیردرسی) دارید، شما بیشتر چه کتاب‌هایی را مطالعه می‌کنید یا به‌صورت صوتی گوش می‌دهید (به ترتیب اولویت سه مورد را بیان کنید ۱. رمان ۲. تاریخی ۳. علمی ۴. پلیسی ۵. تخیلی ۶. سایر ۷. هیچ‌کدام)».

سواد رسانه‌ای: سازمان‌ها و مؤسساتی مانند یونسکو درباره چهار زمینه در خصوص مهارت‌های رسانه‌ای مورد نیاز سواد رسانه‌ای توافق دارند. مهارت‌های مرتبط با سواد رسانه‌ای می‌توانند در توانایی در چهار زمینه: دسترسی، تحلیل کردن، ارزیابی و تولید خلاق خلاصه شوند. برای سنجش متغیر سواد رسانه‌ای ۱۱ گویه تنظیم شده است که عبارت‌اند از: «کاربرد رسانه‌ها برای تکمیل اطلاعات، شیوه استفاده از رسانه‌های جدید، شناخت نسبت به کارکرد رسانه‌ها در حوزه‌های مختلف، انتخاب برنامه‌های موردعلاقه از رسانه‌های مختلف، استفاده از امکانات الکترونیکی برای انتقال پیام، انواع راه‌های جستجو برای اخبار، خرید آنلاین از طریق اپلیکیشن، اطلاع از محتوای فضای مجازی، تأثیرپذیری از رسانه و آگاهی نسبت به محتوای شبکه‌های ماهواره‌ای، اطمینان از اخبار و اطلاعات نشر داده‌شده.

سلامت جسمانی: سلامت جسمی در حقیقت ناشی از عملکرد درست اعضاء بدن است. از نظر بیولوژیکی عمل مناسب سلول‌ها و اعضاء بدن و هماهنگی آنها با هم نشانه سلامت جسمی است. برای سلامت جسمانی ۴ گویه تنظیم شده: «تا چه اندازه از سلامت جسمانی خود رضایت دارید، برای معاینات پزشکی به‌صورت منظم به پزشک مراجعه

بررسی میزان گرایش به خرافات و ارتباط آن...، صفری شالی و کریمی | ۲۰۵

می‌کنید، چقدر اتفاق افتاده که به علت بیماری از محل کار/ کلاس و.. غیبت کنید و تا چه اندازه مراقب سلامتی‌تان هستید».

بعد روحی و روانی: یکی از زمینه‌های عمده بیماری‌ها و مشکلات روانی و عوارض جسمی و اجتماعی آن احساس پوچی، بیهودگی و تزلزل روحی است که ناشی از فقدان بعد معنوی در افراد است. برای این بعد ۵ گویه به شرح ذیل تنظیم شده: «تابه‌حال چقدر حس کرده‌اید که دائماً در زندگی تحت فشار هستید؟، چقدر اتفاق افتاده که بر اثر نگرانی دچار بی‌خوابی شوید؟، چقدر پیش‌آمده بدون دلیل قانع‌کننده نگران یا وحشت‌زده باشید؟، تا چه اندازه از روند انجام کارهایتان احساس رضایت دارید؟ و در دو ماه اخیر چقدر اتفاق افتاده که در تمام طول روز عصبانی باشید و دلشوره داشته باشید».

سلامت اجتماعی: برای سنجش بعد سلامت اجتماعی از برخی سؤالات پرسش‌نامه کبیز استفاده شده است که شامل ابعاد (شکوفایی اجتماعی، انسجام اجتماعی، پذیرش اجتماعی، انطباق اجتماعی و مشارکت اجتماعی) می‌باشد و برای هر بخش بعد از تعریف نظری، تعریف عملیاتی صورت پذیرفته است.

شکوفایی اجتماعی: در این سازه، افراد در مورد جامعه و پیشرفت آن بر اساس نگرششان نسبت به تغییر یا رکود اجتماعی قضاوت می‌کنند. (زاهدی اصل و پيله‌وری، ۱۳۹۳: ۸۲).

برای این بُعد از سلامت اجتماعی ۵ گویه تنظیم شده است: «فرصت‌ها در جامعه برای همه فراهم است، هر کس تلاش بیشتری بکند، به نتیجه خواهد رسید، بیشتر ثروتمندان ایران از طریق کار و زحمت به ثروت رسیده‌اند، در شرایط فعلی هر کس پول و پارتی نداشته باشد حقش پایمال می‌شود، افراد عادی هرچقدر هم تجربه و مهارت داشته باشند به مقامات بالا نمی‌رسند و دنیای امروز مکان خوبی برای زندگی افراد است».

انسجام اجتماعی: فردی که از انسجام اجتماعی برخوردار است نسبت به اجتماع خود احساس نزدیکی می‌کند و گروه اجتماعی خود را منبعی از آرامش و اعتماد می‌داند (عبدالله تبار و همکاران، ۱۳۸۷ به نقل از زاهدی اصل، ۱۳۹۳: ۸۳). برای این بعد ۳ گویه

تنظیم شده: «من خودم را بخشی مهمی از جامعه می‌دانم، من بخش مهمی از خانواده‌ام هستم و افراد خانواده‌ام برای من ارزش بالایی قائل‌اند».

پذیرش اجتماعی: در پذیرش اجتماعی نیز، فرد اجتماع و مردم آن را با همه نقص‌ها و جنبه‌های مثبت و منفی باور دارد و می‌پذیرد و روابط توأم با اعتماد با سایرین برقرار می‌سازد (کنگرلو، ۱۳۸۷، به نقل از زاهدی اصل، ۱۳۹۳: ۸۴). برای این بعد ۳ گویه تنظیم شده است: «افراد دور و بر من (دوستان و خویشاوندان) قابل اعتماد هستند، به نظر من اکثر مردم مهربانند و مردم این روزها منصف‌تر شده‌اند».

انطباق اجتماعی: همبستگی یا انطباق اجتماعی در مقابل بی‌معنایی در زندگی قابل‌مقایسه است و شامل ارزیابی فرد از اجتماع به صورتی قابل‌فهم، قابل‌پیش‌بینی و محسوس است و در حقیقت درکی است که فرد نسبت به کیفیت و سازماندهی و اداره دنیای اجتماعی اطراف خود دارد (کییز ۲۰۰۴، به نقل از زاهدی اصل، ۱۳۹۳: ۸۴). برای این بعد سه گویه به شرح زیر تنظیم شده: «درک اینکه در دنیا چه چیزی پیش خواهد آمد، دشوار است، رعایت قانون در زندگی برایم مهم است و پیش‌بینی آنچه در آینده اتفاق می‌افتد کار دشواری است».

مشارکت اجتماعی: باوری است که طبق آن فرد خود را عضو حیاتی در اجتماع می‌داند و فکر می‌کند چیز ارزشمندی برای عرضه به دنیا دارد. افرادی که در این بعد رتبه بالایی دارند، تلاش می‌کنند تا از دنیایی که صرفاً به دلیل انسان بودن برای آنان ارزش قائل است، سهم باشند. برای این بعد ۳ گویه در نظر گرفته شده: «من می‌توانم کارهای ارزشمندی انجام دهم، گاهی اوقات احساس می‌کنم خیلی برای جامعه مفید نیستم، من زمان و توان لازم برای ارائه خدمت ارزنده به جامعه را ندارم».

توانمندی: از نظر آمارتیا سن قابلیت اشاره به شرایطی دارد که گزینه‌های مختلفی را پیش روی انسان می‌گذارد و انتخاب زمانی معنی دارد که انسان میان چند گزینه یکی را آزادانه انتخاب کند و در این تعریف انسانی که قابلیت ندارد، آسیب‌پذیر است (بلوری، ۱۳۹۵: ۱).

برای این متغیر ۹ گویه در نظر گرفته شده است: «درآمد خانواده شما، تا چه اندازه پاسخگوی سطح نیازهای شما می‌باشد؟، رضایت شما از وضعیت شغلی‌تان تا چه اندازه است؟، رضایت شما از سطح درآمد خود/ خانواده‌تان به چه اندازه است؟، تا چه اندازه به تنهایی از عهده کارهایتان برمی‌آید؟، تا چه اندازه توان برنامه‌ریزی برای کارهایتان را دارید؟، در انجام کارهایتان تا چه اندازه به دیگران متکی هستید؟، تا چه اندازه درآمد شما یا درآمد خانواده شما متناسب با زحمت و تلاش شما می‌باشد؟، تا چه اندازه در حرفه یا کاری که فعالیت می‌کنید، تخصص دارید؟ و آیا شغل‌تان متناسب با توانمندی و تخصص شما می‌باشد؟»

سطح زندگی (پایگاه اجتماعی-اقتصادی): جایگاهی است که هر کس در ساخت جامعه اشغال می‌کند. وضع یا اعتبار اجتماعی است که معاصران فرد به‌طور عینی در بطن جامعه‌ای که در آن حیات می‌گذارند، تفویض می‌دارند. به عبارت دیگر جایی که یک فرد خاص در نظام مخصوص و در زمانی معین اشغال می‌کند، پایگاه او در این نظام خوانده می‌شود (ساروخانی، ۱۳۹۵: ۳۸۰).

در این تحقیق منظور از پایگاه اقتصادی و اجتماعی وضعیت اقتصادی اجتماعی بوده است که فرد در مقایسه با سایر افراد از آن برخوردار بوده است. برای اندازه‌گیری آن از شاخص‌های متعددی استفاده شده است. این شاخص‌ها شامل دارایی، درآمد، تحصیلات، نگرش به طبقه اجتماعی، شغل و مسکن افراد می‌باشند. از این رو در این تحقیق پایگاه اقتصادی و اجتماعی به واسطه معرف‌های زیر عملیاتی می‌شود: میزان تحصیلات پاسخگو، میزان تحصیلات پدر و مادر، شغل پاسخگو (منزلت اجتماعی شغل)، وضعیت منزل مسکونی (شخصی، رهن، استیجاری) و میزان هزینه ماهانه خانوار

یافته‌های پژوهش

در ابتدا به توصیف یافته‌ها و در ادامه به تحلیل و استنباط آماری آنها پرداخته می‌شود

جدول ۲- مشخصات فردی و جمعیتی پاسخگویان

آماره	درصد	فراوانی	متغیر	
نما (۱)	۵۵	۲۲۰	مرد	
	۴۵	۱۸۰	زن	
	۱۰۰	۴۰۰	کل	
میانگین (۴۱) انحراف معیار (۱۷/۴۱)	۳۵	۱۴۰	۱۹-۲۹ سال	
	۳۶	۱۴۴	۳۰-۵۵ سال	
	۲۷/۵	۱۱۰	۵۵-۷۵ سال	
	۱/۵	۶	بی‌پاسخ	
	۱۰۰	۴۰۰	جمع	
نما (۲)	۳۷/۸	۱۵۱	مجرد	
	۵۶/۵	۲۲۶	متاهل	
	۲	۸	مطلقه	
	۳/۳	۱۳	جداشده بدون طلاق	
	۰/۵	۲	همسر فوت کرده	
	۱۰۰	۴۰۰	جمع	
نما (۲)	۲/۳	۹	ابتدایی و راهنمایی	
	۲۲/۵	۹۰	متوسطه و دیپلم	
	۲۶/۸	۱۰۷	کاردانی	
	۳۹/۵	۱۵۸	کارشناسی	
	۵/۳	۲۱	کارشناسی ارشد	
	۹۹/۵	۱۳	دکتری	
	۰/۵	۲	عدم پاسخ	
	۱۰۰	۴۰۰	جمع	
-----	۴۳/۳	۱۷۳	فارس	
	۳۹/۵	۱۵۸	آذری و ترک	
	۴/۵	۱۸	کرد	
	۵/۳	۲۱	لر	
	۰/۵	۲	بلوچ	
	۰/۵	۲	ترکمن	
	۵/۸	۲۳	عدم پاسخ	

آماره	درصد	فراوانی	متغیر	
	۰/۸	۳		
	۱۰۰	۴۰۰	جمع	
-----	۰/۸	۳	زیر دو میلیون	درآمد
	۲۰	۸۰	دو تا چهار میلیون	
	۴۰/۸	۱۶۳	چهار میلیون و یک هزار تا هفت میلیون	
	۱۶/۳	۶۵	هفت میلیون و یک هزار تا ده میلیون	
	۷	۲۸	بالای ده میلیون	
	۱۵/۳	۶۱	عدم پاسخ	
	۱۰۰	۴۰۰	جمع	

در مورد استفاده از وسایل ارتباط جمعی از پاسخگویان در مورد رسانه‌های مختلف (تلویزیون، رادیو، کانال تلگرامی، اینستاگرام، شبکه‌های پیام‌رسان داخلی، مطبوعات، سایت‌های اینترنتی، شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان، شبکه‌های ماهواره‌ای غیرفارسی زبان، توئیتر، واتس آپ، کلاب هاوس) سؤال پرسیده شد و از آنها خواسته شد که میزان استفاده از هر یک از رسانه‌های مذکور را بر حسب ساعت در طول شبانه‌روز بیان کنند. با توجه به نتایج ۲۵/۹ درصد افراد در حد کم (۱ تا ۵ ساعت)، ۴۷/۲ درصد در سطح متوسط (۵ تا ۱۰ ساعت) و ۲۶/۹ درصد از افراد به میزان زیادی (۱۰ تا ۱۵ ساعت) از رسانه‌ها استفاده می‌کنند. پاسخ‌دهندگان بیشترین زمان خود را در طول شبانه‌روز صرف استفاده از اینستاگرام (با میانگین حدود ۳/۵ ساعت) می‌کنند.

ب) توصیف ویژگی‌های متغیرهای پژوهش

با توجه به جدول زیر، حدود ۴۶/۳ درصد از شهروندان مطالعه در سطح پایین (۱ تا ۳ ساعت)، ۳۷/۱ درصد در سطح متوسط (۳ تا ۷ ساعت) و ۱۶/۶ درصد آنان مطالعه در سطح بالا (۷ تا ۱۰ ساعت) داشته‌اند. در بخش سواد رسانه‌ای نتایج حاکی از این است که میزان

سواد رسانه‌ای برای ۴/۸ درصد از شهروندان در حد کم و در مقابل برای ۳۵ درصد در حد زیادی ارزیابی شده است. با توجه به میانگین متغیر سواد رسانه‌ای، می‌توان گفت در مجموع میزان سواد رسانه‌ای شهروندان کرج در حد متوسط رو به پایینی است.

میزان توانمندی و قابلیت برای ۴۴/۸ درصد از شهروندان در حد کم و در مقابل برای ۱۰/۳ درصد در حد زیادی ارزیابی شده است. با توجه به میانگین متغیر قابلیت و توانمندی می‌توان گفت در مجموع میزان قابلیت و توانمندی شهروندان کرج در حد متوسط قرار دارد. در ارتباط با متغیر سلامت جسمانی نیز، نتایج حاکی از این است که میزان سلامت جسمانی برای ۵۰/۵ درصد از شهروندان در حد کم و در مقابل برای ۱۴/۲ درصد در حد زیاد می‌باشد، با توجه به میانگین متغیر سلامت جسمانی می‌توان گفت در مجموع میزان رضایت از سلامت جسمانی شهروندان کرج در حد پایینی قرار دارد.

میزان سلامت اجتماعی برای ۱۷/۵ درصد از شهروندان در حد کم و در مقابل برای ۳۴/۸ درصد در حد زیادی ارزیابی شده است. در این بخش نیز با توجه به میانگین متغیر سلامت اجتماعی، می‌توان گفت میزان سلامت اجتماعی شهروندان کرج در حد متوسط رو به بالا است. میزان خرافه‌گرایی برای ۶۴ درصد از شهروندان در حد کم و در مقابل برای ۱۲/۳ درصد در حد زیادی ارزیابی شده است. در ارتباط با این متغیر نیز با توجه به میانگین می‌توان گفت میزان خرافه‌گرایی شهروندان کرج در حد پایینی است. جدول زیر برخی آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. مقادیر بدست آمده از پنج متغیر مستقل (مطالعه آزاد، سواد رسانه‌ای، توانمندی، سلامت جسمانی و سلامت اجتماعی) و متغیر وابسته خرافه‌گرایی می‌باشد.

جدول ۳ - آماره‌های توصیفی متغیرهای اصلی تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	طبقات		
					پایین	متوسط	بالا
مطالعه آزاد	۴/۰۱	۲/۰۷	۱	۱۰	۴۶/۳	۳۷/۱	۱۶/۶
سواد رسانه‌ای	۳۲/۰۶	۴/۸۱	۱۱	۵۵	۴/۸	۶۰/۳	۳۵

۱۰/۳	۴۵	۴۴/۸	۴۵	۹	۵/۱۸	۲۷/۰۶	توانمندی
۱۴/۲	۳۵/۳	۵۰/۵	۴۵	۹	۵/۱۸	۲۵/۰۹	سلامت جسمانی
۳۴/۸	۴۷/۸	۱۷/۵	۴۵	۹	۶/۸۳	۵۲/۵۳	سلامت اجتماعی
۱۲/۳	۲۳/۸	۶۴	۸۵	۱۷	۱۴/۶۲	۳۶/۶۹	خرافه‌گرایی

استنباط از یافته‌ها

مقایسه خرافه‌گرایی بر حسب متغیرهای زمینه‌ای

با در نظر گرفتن پیش‌فرض‌های آماری (مانند برخورداری داده‌ها از توزیع نرمال و سطح سنجش فاصله‌ای) با استفاده از آزمون‌های مقایسه‌ای به مقایسه خرافه‌گرایی بر حسب تحصیلات، شغل، منطقه محل مسکونی و سن پرداخته شده که نتایج به شرح زیر می‌باشد.

مقایسه وضعیت خرافه‌گرایی بر حسب تحصیلات

بر طبق نتایج خرافه‌گرایی در افرادی که تحصیلات آنان در سطح عالی می‌باشد با مقدار میانگین ۳۰/۸۹ (با میانگین مفروض ۳۶/۶۹ با توجه به بازه نمرات ۸۵-۱۷) در پایین‌ترین سطح و افرادی که تحصیلات در حد پایین دارند با میانگین ۴۱/۴۵ در بالاترین سطح قرار دارد و رابطه معنادار بین وضعیت خرافه‌گرایی و تحصیلات وجود دارد.

مقایسه وضعیت خرافه‌گرایی بر حسب شغل

متغیر اشتغال به سه دسته اشتغال در سطح پایین که شامل بیکار و در جستجوی کار، خانه‌دار و کارگر می‌شود. اشتغال در سطح متوسط شامل کارمند، بازنشسته و مستمری‌بگیر می‌شود و همین‌طور اشتغال در سطح بالا که شامل مدیران مؤسسات خصوصی، مهندسين عالی‌رتبه، وکلا، قضات و مشاغل آزاد با درآمد بالا تقسیم شده است با یکدیگر مقایسه می‌شوند. با توجه به نتایج افراد با سطح شغلی بالا با میانگین ۳۲/۲۳ کمترین سطح از خرافه‌گرایی، افراد در سطوح متوسط شغلی با میانگین ۴۲/۳۴ در بالاترین سطح از

خرافه‌گرایی قرار دارند. مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد افراد در سطح بالای شغلی کمترین میزان خرافه‌گرایی و مشاغل در سطح متوسط بیشترین سطح از خرافه‌گرایی را داشته‌اند و رابطه معنادار بین سطوح اشتغال و خرافه‌گرایی افراد وجود دارد.

بررسی وضعیت میزان خرافه‌گرایی بر حسب منطقه محل سکونت

بر اساس سطح برخورداری از امکانات، شهر کرج به سه منطقه برخوردار، تا حدی برخوردار و کم برخوردار تقسیم شده است که در اینجا به مقایسه خرافه‌گرایی افراد در این سه منطقه پرداخته شده است. نتایج مؤید این مطلب است که بین میزان خرافه‌گرایی شهروندان در مناطق مختلف تفاوت معنادار وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد که بیشترین میزان خرافه‌گرایی مربوط به منطقه پایین با میانگین ۴۲/۵۴ و کمترین میزان آن مربوط به منطقه بالا با میانگین ۲۶/۳۵ می‌باشد و در نتیجه رابطه معنادار بین وضعیت خرافه‌گرایی شهروندان و منطقه محل سکونت آنان وجود دارد.

بررسی وضعیت خرافه‌گرایی بر حسب سن

برای بررسی خرافه‌گرایی در سطح کرج سن افراد را به سه رده سنی جوان، میانسال و بزرگسال تقسیم شده است، نتایج نشان می‌دهد که کمترین میزان خرافه‌گرایی مربوط به سنین جوان با میانگین ۳۰/۷۹ و بیشترین میزان آن مربوط به افراد بزرگسال با میانگین ۵۰/۴۰ می‌باشد. در نتیجه بین خرافه‌گرایی افراد و سن آنان رابطه معنادار وجود دارد.

در جدول شماره ۴، به بررسی رابطه همبستگی بین متغیرهای اصلی پژوهش با خرافه‌گرایی با استفاده از آزمون پیرسون با در نظر گرفتن پیش فرض‌های لازم اقدام گردید.

جدول ۴- نتایج آزمون رابطه همبستگی بین متغیرهای اصلی پژوهش با خرافه‌گرایی

نتیجه	شدت رابطه	جهت رابطه	سطح معناداری	مقدار پیرسون	متغیر	متغیر مستقل
وجود رابطه بین	ضعیف	منفی و	۰/۰۰۰	-۰/۲۴۷	خرافه	سواد رسانه‌ای

دو متغیر		معکوس			گرایی
وجود رابطه بین دو متغیر	متوسط	منفی و معکوس	۰/۰۰۰	-۰/۳۸۰	مهارت و توانمندی
عدم وجود رابطه بین دو متغیر	ضعیف	منفی و معکوس	۰/۷۴۵	-۰/۰۲۲	سرانه مطالعه
وجود رابطه بین دو متغیر	متوسط	منفی و معکوس	۰/۰۰۰	-۰/۵۴۷	سطح زندگی
وجود رابطه بین دو متغیر	ضعیف	منفی و معکوس	۰/۰۰۰	-۰/۲۷۸	سلامت اجتماعی
وجود رابطه بین دو متغیر	ضعیف	منفی و معکوس	۰/۰۰۰	-۰/۲۵۰	سلامت جسمانی

بر اساس نتایج جدول شماره ۴، با توجه به سطح معناداری متغیرهای سواد رسانه‌ای، توانمندی، سطح زندگی، سلامت اجتماعی و سلامت جسمانی افراد باید گفت که بین متغیرهای مستقل پژوهش با میزان خرافه گرایی به عنوان متغیر وابسته رابطه معنادار وجود دارد. جهت رابطه به صورت معکوس می‌باشد، به این معنا که با بالا رفتن هر یک از متغیرهای مستقل، میزان خرافه گرایی کاهش پیدا می‌کند. با در نظر گرفتن سطح معناداری آزمون پیرسون برای متغیر سرانه مطالعه (۰/۷۴۵)، نتایج و تجزیه نشان می‌دهد که فقط بین متغیر سرانه مطالعه و خرافه گرایی رابطه معنادار وجود ندارد.

آزمون تحلیل مسیر عوامل مؤثر بر خرافه گرایی

برای انجام تحلیل مسیر پیش فرض‌های لازم انجام گرفت و ابتدا با استفاده از متد Enter به بررسی اثرات مستقیم مجموع متغیرهای مستقل بر خرافه گرایی (متغیر وابسته اصلی) اقدام گردید.

جدول ۵- آماره‌های تحلیل رگرسیونی تأثیر متغیرهای مستقل بر خرافه‌گرایی

شاخص	ضریب همبستگی (R)	R ^۲	R ^۲ تعدیل‌شده	F	سطح معناداری
مقدار	۰/۷۲۳	۰/۵۲۲	۰/۵۰۷	۳۳/۶۷۴	۰/۰۰۰

بر مبنای اطلاعات جدول ۵ مشخص شد که ۵۱ درصد از واریانس (تغییرات) متغیر خرافه‌گرایی توسط مجموع متغیرهای مستقل تبیین می‌گردد و با توجه به F برابر است با ۳۳/۶۷۴ و سطح معناداری بدست آمده (که در سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌باشد) می‌توان گفت که مجموع متغیرهای مذکور قادرند تغییرات متغیر خرافه‌گرایی را تبیین کنند.

جدول ۶- بررسی میزان و جهت تأثیر متغیرهای مستقل بر خرافه‌گرایی

متغیر	ضرایب رگرسیون استاندارد نشده	خطای استاندارد	ضریب رگرسیونی استاندارد شده	T	سطح معنی‌داری
توانمندی و قابلیت	-۰/۹۱۰	۰/۲۸۱	-۰/۲۴۰	-۳/۲۳۶	۰/۰۰۱
سلامت جسمانی	-۰/۸۲۹	۰/۲۱۸	-۰/۲۵۷	-۳/۷۹۷	۰۰۰
سلامت اجتماعی	۰/۱۷۱	۰/۱۶۴	۰/۰۶۷	۱/۰۳۹	۰/۳۰۰
سطح زندگی	-۴/۱۸۵	۱/۶۹۱	-۰/۵۰۳	-۶/۰۵۸	۰۰۰
سواد رسانه‌ای	۰/۳۸۰	۰/۲۸۰	۰/۱۰۱	۱/۳۵۹	۰/۱۷۶
سرانه مطالعه	-۰/۷۵۴	۰/۴۸۵	-۰/۰۸۷	-۱/۵۵۵	۰/۱۲۲

بر اساس جدول ۶ می‌توان گفت که متغیرهای سواد رسانه‌ای و مطالعه آزاد و سلامت اجتماعی تأثیر معناداری بر متغیر خرافه‌گرایی نداشته‌اند. متغیرهای دیگر بر متغیر وابسته خرافه‌گرایی اثری کاهنده داشته‌اند به این صورت که با افزایش در سطح «سلامت

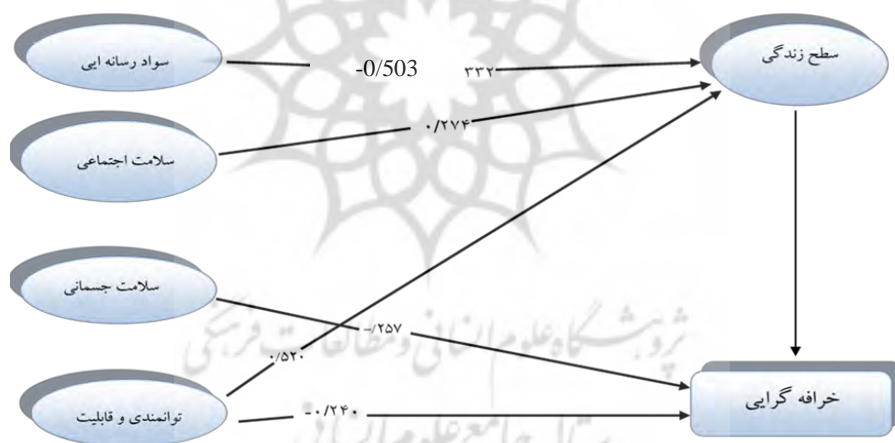
بررسی میزان گرایش به خرافات و ارتباط آن... ، صفری شالی و کریمی | ۲۱۵

جسمانی»، «سطح زندگی» و «مهارت و توانمندی» افراد خرافه گرایی کاهش پیدا خواهد کرد.

از آنجایی که در رگرسیون ضرایب تأثیر بر روی خرافه گرایی به دست آمد و متغیر سطح زندگی (با ضریب $-0/503$) بیشترین تأثیر را بر روی خرافه گرایی داشته و این متغیر در مدل نظری نیز به عنوان متغیر واسط ذکر شده بود، لذا این متغیر به عنوان وابسته میانی در نظر گرفته شده و به بررسی ضرایب تأثیر مجموعه متغیرهای مستقل بر روی سطح زندگی پرداخته شد.

R^2 سطح زندگی = $0/626$

R^2 خرافه گرایی = $0/522$



شکل ۲- مدل تجربی پژوهش

بر مبنای اطلاعات بدست آمده مشخص شد که ۶۳ درصد از واریانس (تغییرات) متغیر سطح زندگی (به عنوان متغیر وابسته میانی) توسط متغیرهای مستقل تبیین می گردد و با توجه به مقدار $F = 62/240$ و سطح معناداری بدست آمده که (در سطح اطمینان ۹۹

درصد) معنادار می‌باشد می‌توان گفت که مجموع متغیرهای مذکور قادرند تغییرات سطح زندگی را تبیین کنند. بر اساس جدول فوق می‌توان گفت همه متغیرهای مستقل به‌جز متغیر سرانه مطالعه و سلامت جسمانی از عوامل مؤثر بر سطح زندگی می‌باشند. تأثیر همه متغیرهای مستقل بر متغیر سطح زندگی افزایشدهنده می‌باشد، یعنی با افزایش هر یک از آنها به ترتیب: توانمندی، سواد رسانه‌ای و سلامت اجتماعی، متغیر سطح زندگی افزایش پیدا می‌کند و در نتیجه خرافه‌گرایی کاهش پیدا می‌کند.

در بین متغیرهای مستقل متغیر «توانمندی و قابلیت» بیشترین تأثیر را بر متغیر سطح زندگی دارد و ضریب بتای ۰/۵۲۰، این بدان معناست که به ازای هر واحد افزایش در انحراف استاندارد متغیر توانمندی و قابلیت، ۰/۵۲۰ واحد افزایش در سطح زندگی افراد به وجود می‌آید و از آنجا که جهت این رابطه مثبت است، تغییر به‌صورت مستقیم و از نوع افزایشدهنده می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که مدل تجربی این پژوهش با مدل نظری هماهنگ است. بدین صورت که متغیر وابسته را با توجه به مدل نظری انتخاب کردیم و نوع متغیرها و نحوه تأثیرگذاری متغیرها بر روی متغیر وابسته اصلی (خرافه‌گرایی) هم به‌صورت مستقیم و هم به‌صورت غیرمستقیم برقرار است، در واقع انطباق مدل تجربی نشان از اهمیت قدرت تبیین‌کنندگی بالای نظریات و متغیرهای انتخاب‌شده در چهارچوب نظری انتخابی تحقیق است.

بحث و نتیجه‌گیری

عقلانیت و قوه ادراک یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌های انسان است که او را از سایر مخلوقات متفاوت و متمایز می‌کند. این نیرو باعث می‌شود انسان با اراده و خرد خویش از توهمات و باورهای بی‌اساس که مانع از رشد او می‌شوند فاصله بگیرد. نقطه اتصال عوامل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی در گرایش به باورهای خرافی زمانی است که افراد به دلیل شرایط اجتماعی و اقتصادی نامناسب، فرصتی برای پیشرفت و قدم گذاشتن در مسیر بهبود

اوضاع خود نمی‌بینند و در نتیجه ناامید از بهتر شدن شرایط با روی آوردن به خرافه برای خود راه‌گزینی پیدا می‌کنند تا در زیر سایه آن به آرامش برسند.

با توجه به نتایجی که در پژوهش‌های پیشین انجام شده است و همین‌طور نتایجی که در پژوهش حاضر حاصل شده است می‌توان گفت، در جوامعی که از سطح رشد علمی و عقلانی بیشتری برخوردارند، گرایش به خرافات کمتر دیده می‌شود، زیرا افراد با تلاش و پویایی در جامعه‌ای که خود را عضو حیاتی از آن می‌دانند به رشد و موفقیت دست پیدا می‌کنند. با این حال نمی‌توانیم بگوییم در جوامع پیشرفته و صنعتی که از جامعه سنتی خود گذر کرده‌اند خرافه‌گرایی وجود ندارد، بلکه ممکن است این ناهنجاری‌ها در جوامع توسعه‌یافته نیز وجود داشته باشد.

معمولاً در تشخیص علمی خرافات نوعی نگاه تجربه‌محور و کارکردی حاکم است تا زمانی که فرضیه در آزمون تجربی رد نشود و کارکرد آن برای جامعه در جهت عقلانیت باشد، علمی خوانده می‌شود اما اگر تجربه‌پذیر نباشد و کارکردی در مسیر عقلانیت علمی جامعه نداشته باشد، باور یا رفتار خرافی خوانده می‌شود (برای کسب اطلاعات بیشتر مراجعه شود به پیوسته، ۱۳۹۶).

با توجه به یافته‌های پژوهش مشخص شد، با افزایش سطح تحصیلات افراد خرافه‌گرایی کاهش پیدا می‌کند و تأیید این فرضیه همسو با نتایج پژوهش سپهر (۱۳۷۵) بوده است. همین‌طور افراد در سنین بالاتر گرایش بالاتری به خرافات دارند. افراد در سطوح بالای شغلی (مهندسين عالی‌رتبه، وکلا، مدیران مؤسسات) تمایل کمتری به پذیرش خرافات دارند تا افراد در مشاغل سطح پایین (مانند کارگر و حتی گروه بیکاران) که نتایج این فرضیه نیز با نتایج پژوهش سپهر (۱۳۷۵) در یک راستا می‌باشد.

از دیگر نتایج این پژوهش می‌توان به سلامت جسمانی و اجتماعی اشاره کرد که با افزایش سطح این متغیرها خرافه‌گرایی کاهش پیدا خواهد کرد. همچنین افزایش توانمندی و سطح درآمد و سطح زندگی افراد اثری کاهنده بر خرافه‌گرایی دارد. در پهنه‌های کم برخوردار نیز گرایش به خرافات بیشتر از پهنه‌های تا حدی برخوردار و برخوردار می‌باشد

و مؤید این مطلب می‌باشد که افرادی که در پهنه‌های کم برخوردار زندگی می‌کنند برای رسیدن به خواسته‌ها و حداقل‌های زندگی که از دسترس آنها خارج می‌باشد ناچار به اعمال و عقاید خرافی گرایش پیدا می‌کنند در صورتی که در پهنه‌های تا حدی برخوردار و برخوردار شاهد هر چه کمتر شدن گرایش افراد به خرافات هستیم، به عبارت دیگر با فراهم آمدن امکانات رفاهی، در مناطق مختلف از سطح خرافه‌گرایی افراد کاسته خواهد شد.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت با تقویت شاخص‌های توسعه انسانی سطح خرافه‌گرایی کاهش پیدا خواهد کرد و به بیان دیگر رابطه بین شاخص‌های مذکور و خرافه‌گرایی معکوس می‌باشد. هراندازه نیروی عقلانیت و خردگرایی و همچنین سلامت اعم از جسمانی و اجتماعی، توانمندی و قابلیت، سطح سواد رسانه‌ای و تحصیلات افراد افزایش پیدا کند افراد کمتر به عقاید خرافی گرایش پیدا خواهند کرد و در نتیجه مسیر رسیدن به یک جامعه پویا و توسعه کوتاه‌تر خواهد شد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بر اساس نظریات صاحب‌نظران مکتب نوسازی، سطح زندگی افراد جامعه، به‌طور دقیق‌تر یعنی برخورداری از شغل و درآمد و مسکن مناسب و همین‌طور سطح تحصیلات و به‌طور کلی جایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد، تأثیر مهمی بر گرایش‌های فکری افراد می‌گذارد.

سایر یافته‌ها حاکی از آن است که با افزایش توانمندی افراد گرایش به خرافات در بین آنان کاهش پیدا می‌کند، این فرضیه همسو با نظریه «توسعه به‌مثابه قابلیت» آمارتیاسن است. نظریه آمارتیاسن اشاره به بسط قدرت انسان‌ها و برخورداری از پایگاه اجتماعی و اقتصادی مناسب دارد. توانمندی، تخصص و قابلیت‌های افراد در بستر مناسب جامعه امکان ظهور و بروز پیدا می‌کند و جامعه عنصری اصلی و اساسی در این مهم تلقی می‌شود، در نتیجه جو ناامیدی از بین می‌رود و از گرایش افراد به خرافه بکاهد.

در پژوهش انجام‌گرفته فرضیه ارتباط سواد رسانه‌ای و خرافه‌گرایی تأیید شد، بدین ترتیب که با افزایش سواد رسانه‌ای خرافه‌گرایی در افراد کاهش پیدا می‌کند. تأیید این فرضیه با نظریه دانیل لرنر با طرح نظریه مدرنیزاسیون بر مؤلفه‌هایی مانند شهرنشینی،

سوادآموزی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی تأکید کرده است، همسو بوده است. از نظر لرنر وسایل ارتباط جمعی تأثیر زیادی در الگوپذیری افراد به سوی یک جامعه مدرن دارد و می‌تواند اطلاعات و دیدگاه‌های جدیدی را در اختیار افراد گذارده و توانایی درک مسائل را افزایش داده و از همین طریق نیز خرافه‌گرایی آنان کاهش پیدا کند.

نتایج تحقیق نشان‌دهنده رابطه معنادار بین سلامت اجتماعی و خرافه‌گرایی می‌باشد. کیز سلامت اجتماعی را دارای ابعاد مختلفی از جمله (شکوفایی، انسجام، پذیرش، انطباق و مشارکت اجتماعی) می‌داند. در واقع هنگامی که افراد جامعه نگرش مثبتی نسبت به خود و اطرافیان خود ندارند و بر این گمان هستند که صلاحیت و توانمندی ندارند و نمی‌توانند کار ارزشمندی انجام دهند، سلامت اجتماعی رو به افول است. متغیر سلامت اجتماعی در این پژوهش با واسطه متغیر سطح زندگی بر خرافه‌گرایی مؤثر می‌باشد. با کاهش سلامت اجتماعی، سطح زندگی کاهش پیدا می‌کند و در نتیجه افراد برای بهتر شدن شرایط خود به خرافات پناه می‌برند.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت با تقویت شاخص‌های توسعه انسانی سطح خرافه‌گرایی کاهش پیدا خواهد کرد و به بیان دیگر رابطه بین شاخص‌های مذکور و خرافه‌گرایی معکوس می‌باشد. هر اندازه نیروی عقلانیت و خردگرایی و همچنین سلامت اعم از جسمانی و اجتماعی، توانمندی و قابلیت، سطح سواد رسانه‌ای و تحصیلات افراد افزایش پیدا کند، افراد کمتر به عقاید خرافی گرایش پیدا خواهند کرد و در نتیجه مسیر رسیدن به یک جامعه پویا و توسعه کوتاه‌تر خواهد شد.

در آخر می‌توان گفت، تشخیص باورهای خرافی از غیر خرافی آن‌قدر مشکل است که گاهی حتی با ذره‌بین علم نیز نمی‌توان مرز میان آن را دقیق تشخیص داد. نتایج و میزان همبستگی ضرایب همه و همه نشان داد شاخص‌های توسعه انسانی هر کدام با سهمی و با ضریبی در نوگرایی و عقلانی شدن و کاهش خرافه‌گرایی مؤثر بودند. اما این تأثیر به صورت مطلق نبوده است و همچنان شاهد دیدن این باورها هستیم همبستگی‌های به دست آمده به صورت میانه به دست آمدن به این صورت که در جریان جمع‌آوری داده‌ها

شاهد این بودیم که بعضی از افراد که با تحصیلات بالا و در سطوح بالای توسعه انسانی بودند به صورت نسبی به شاخص‌ها و باورهای خرافی اعتقاد دارند. در ادامه برخی توصیه‌ها به عنوان راهکارهایی برای برون‌رفت از این مسئله اجتماعی توصیه می‌شود.

- گسترش هر چه بیشتر کتابخانه‌های عمومی و برگزاری نشست‌های روشنگری در سالن‌های عمومی به صورت جلسات هفتگی توسط صاحب‌نظران متعهد و متخصص و معرفی کتاب‌های علمی به مخاطبین

- سهولت عضویت و بهره‌گیری افراد از کتابخانه‌های عمومی برای عضویت و استفاده و همچنین وجود کتاب‌هایی با محتوا و استدلال‌های قوی، زیرا این اقدام امکان مطالعه و مباحثه را فراهم آورد تا با افزایش مطالعه کتاب و بحث و گفتگو باعث ارتقاء قابلیت، توانمندی و معرفت و در نهایت کاهش گرایش به خرافه‌گرایی گردد. همچنین می‌توان از وجود فضای مجازی به صورت هدفمند و با برنامه‌ریزی هدفمند فرهنگی جهت ارتقاء آگاهی افراد استفاده کرد.

- کمک به سلامت جسمانی افراد (با شعار عقل سالم در بدن سالم) از مؤلفه‌هایی می‌باشد که نقصان در آن می‌تواند سلامت روان را نیز به مخاطره اندازد و باعث بروز عواطف منفی شود و در نتیجه آن گرایش به خرافات افزایش پیدا کند. ایجاد منابع تسهیلاتی که بتواند فرصت برای سلامت افراد ایجاد کند به عنوان مثال: ایجاد فضای مناسب و امکاناتی برای ورزش و تمرین‌های بدنی و تشویق افراد برای استفاده از این امکانات.

- با ارتقاء مشارکت و همبستگی بین افراد محلات، (برانگیختن مشارکت‌های اجتماعی) با ایجاد انجمن‌های محله محور و شوراهای فرهنگی و در داخل محله می‌توان زمینه مشارکت مردم را به وجود آورد. مراسم و جشن‌هایی که به صورت گروهی در ورزشگاه‌ها، فرهنگسراها و مکان‌های عمومی برگزار می‌شوند در بالا بردن مشارکت، همبستگی و یکپارچگی افراد و کاهش خرافه‌گرایی در سطح جامعه نقش مهمی دارد.

- تقویت و بالا بردن سطح و توان اقتصادی زندگی افراد از مواردی می‌باشد که با افزایش آن سطح خرافه‌گرایی به نسبت کاهش پیدا خواهد کرد. راهکارهایی در سطح خرد وجود دارد که از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشند، به‌عنوان مثال: پرداخت تسهیلات بانکی هدفمند برای تهیه مسکن، خودرو، کسب و کار و همچنین سهولت در بازپس‌گیری این تسهیلات برای پهنه کم‌برخوردار، ایجاد فرصت کسب و کار برای افراد در مناطق کم‌برخوردار با تأسیس مؤسسات کاریابی و سهولت شرایط آموزش به افراد و سپس به کارگیری آنان در مشاغل که آموزش دیده‌اند.



منابع

- آر. ملکات، سرینواس. (۱۳۸۴)، *نظریه‌های ارتباطات و توسعه*، ترجمه: یونس شکرخواه، فصلنامه رسانه، سال شانزدهم، شماره ۶۴.
- افشانی، سید علی‌رضا، احمدی، اصغر (۱۳۸۸)، «میزان نوگرایی و گرایش به خرافات در شهر یزد»، *پژوهشنامه علوم اجتماعی*، سال دهم، شماره ۴۱: ۵۹-۱۰۰.
- آیزنشتات، اس.ان. (۱۳۷۷)، «شکست‌های نوسازی»، ترجمه: هاله لاجورد، *فصلنامه ارغنون*، سال دوم، شماره ۱۳: ۱۹۱-۲۰۸.
- بلوری، اسماعیل. (۱۳۹۵)، *توصیف و تبیین عدالت بر مبنای «نظریه قابلیت از دیدگاه آمارتیاسن»*، نخستین کنگره بین‌المللی چالش‌های الکترونیک، مرکز توسعه اطلاعات کاربردی، دانشگاه تربیت مدرس.
- پیوسته صادق (۱۳۹۶). *بهترین را مبارزه با خرافه* <http://www.ensafnews.com/67662>
- تاجی، محمدرضا. (۱۳۹۷)، *تبیین جامعه‌شناختی جریان‌های نوپدید فرهنگی با تأکید بر فرقه‌های نوظهور (مطالعه موردی عرفان حلقه در کلان‌شهرهای کرج و تهران)*. پایان‌نامه دکتر، رشته جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- جهانشاهی، افشار و شمس‌الدینی مطلق، محمدحسن. (۱۳۹۳)، «ریشه‌های خرافات و کارکرد آن در فرهنگ مردم (مورد مطالعه: باورهای مردم کرمان)»، *فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه*، سال سوم، شماره ۲: ۵۰-۷۷.
- ربیعی، کامران. (۱۳۹۴). «توسعه اجتماعی-اقتصادی و تأثیر آن بر تلقی افراد از چیستی خرافات مطالعه موردی: شهرستان‌های استان اصفهان»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و ششم، شماره ۴: ۱۴۸-۱۹۰.
- زاهدی اصل، محمد و پیلهوری، اعظم. (۱۳۹۳)، «فرا تحلیلی بر مطالعات مربوط به سلامت اجتماعی»، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۱۹: ۷۲-۱۱۰.
- ساروخانی، باقر (۱۳۹۵)، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ چهارم.

بررسی میزان گرایش به خرافات و ارتباط آن...، صفری شالی و کریمی | ۲۲۳

- شریعتی، صدرالدین و انصافی مهربانی، سپیده. (۱۳۹۵)، «نگاهی به خرافه‌پرستی در ایران و جهان و راهکار تربیتی مواجهه با آن». فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، سال هفتم، شماره ۲۶: ۲-۲۵.

- عزیزآبادی، مریم. (۱۳۹۹)، «ستارگان به زمین می‌آیند»، <https://medn.me/FoAEj>.
- فروغی، علی و عسگری مقدم، رضا. (۱۳۸۸)، «بررسی میزان گرایش به خرافات در بین شهروندان تهرانی». فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۳: ۱۶۱-۱۹۱.
- قنبری، علی. (۱۳۹۱)، توسعه اقتصادی و توسعه انسانی. تهران: نشر چالش، چاپ اول
- وینر، مایرون. (۱۳۵۴)، نوسازی جامعه، ترجمه: مقدم مراغه‌ای، تهران: نشر فرانکلین.

- Keyes, corey. (1998). Social Well-Being. Social Psychology Quarterly, 61, 121-140.
- Teodour, Adorno, and Stephen, Croock. (2001). The stars to earth and other essays on the irrational in culture.
- Blemain, Steve. (2021). Superstition and Sustainability, Natural Resurces Institute Journal, University of GreenWitch.
- Keyes, corey. (2011). Evaluating the Psychometric of the Mental Health Continuum- Short Form (MHC-Sf), Jurnal of Clinical Psychology 67(1).
- Tosyali, Furkan, and Busra, Aktas. (2021). Relationship Between Analytical Thinking, Intrinsic Religiosity, and Superstitious Beliefs. Middel East Technic University, Ankara, Turkey.
- Bell, Ann.v, and Elizabet, Hatterly. (2014). There Is a Higher Power, But Gave Us a Free Will: Socioeconomic Ststus and the Intersection of Agency and Fatalism in Fertility, Social Science Medicine, No. 114: 60-72.
- Markle, D. Thomas. (2007). The magic that binds us: Stress and supersittions, Master s Thesis, university of New York at new pathz.

استناد به این مقاله: صفری شالی، رضا؛ کریمی، علیرضا و سیفی، مژگان. (۱۴۰۲). بررسی میزان گرایش به خرافات و ارتباط آن با شاخص‌های توسعه انسانی (مورد مطالعه: شهروندان شهر کرج). فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۵(۵۴)، ۱۸۷-۲۲۳.



Social Development and Welfare Planning Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی